



تاریخ

# نشوخ طبعان مطبوعات ایران

محمدباقر نجفزاده بارفروش

اشاره:

آنچه در پی می آید، نگاهی فشرده و گذرا به قلمرو ادبیات طنز معاصر و مطبوعات فکاهی است که در واقع خلاصه پیشگفتار کتاب جامع دائرة المعارفی تحت عنوان «طنز سرایان ایران از مشروطه تا انقلاب» و یا «طنز نویسان ایران از مشروطه تا انقلاب» می باشد. این کتاب بزرگ در دست چاپ و انتشار است و حاصل چند سال پژوهش و نگارش مرتضی فرجیان و محمد باقر نجف زاده بارفروش می باشد. بدون تردید، اثر یاد شده در تاریخ ادبیات معاصر جای خوشی را باز یافته و در حوزه فرهنگ امروز به عنوان کتابی مرجع قرار خواهد گرفت. امید است این کتاب، مورد توجه و لطف خوانندگان قرار گیرد و پژوهندگان و نویسندگان اثریاد شده از راهنمایها و نظرات پیشنهادی آنان بهره مند شوند.

«و سانه»

«طنز Tanz» واژه ای است عربی به معنی سحر کردن، ضعه زدن، سرزنش کردن. فکاهت یا فکاهی Fokahat-Fokahi یعنی شج بودن، خوش طبعی، و مزاح. امروزه واژه طنز و فکاهی را یکی پنداشته و به گونه ای هم معنی به کار می برند. لذا با توجه به همین باور و نظر، قلمرو طنز شامل: طنز، فکاهی، هجو، هزل، شوخی، مسخرگی، سرزنش و نکوهش، فحش

و دشنام گویی، بیهوده گویی، انتقاد، ایراد، خنده آفرینی، دست انداختن، سر به سر گذاشتن، نفرین، عیب شماری، بدزبانی، بدگویی، بی تربیتی، پرده دری، بی حیایی، بریشان گویی، به دروغ نادان وانمودن، دروغ بافی، تشهیر، تشدد، تمسویه، لقیهای بد به یکدیگر دادن، زشت شمردن، جواب، خبط، غلط اندازی، حماقت، بی شرفی، زبان درازی، نادانی، سخن رابا حرف دروغ آرامتن، زخم زبان زدن، ستایش دروغین، خوشی، مسکمی، ظریفی، تندخویی، فضولی و سرک کشیدن در کار دیگران و دخالت در امور و چیزها، لطفه، وقت گذرانی، حکایت کردن، خلاف گویی و... است که واژه ها و معادلهای دیگر فارسی و عربی نیز دارای همین معنیها و مفهومات و همین طور معادلهای این واژگان در زبانها و گویشهای ایرانی و غیر ایرانی. تقسیم بندی دیگر حضور طنز، در حوزه دانشهاست مانند: طنز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ادبی، فنی و تکنولوژیکی، علوم تجربی و... که باز هر یک از این طنزها خود به انواع دیگر بخش می شود. مثلاً در حوزه طنز تاریخی، می توان بخشهای: طنز تاریخی ایرانی، تاریخی غیر ایرانی، تاریخی مثل شرق، تاریخی مثل غرب، تاریخی قبل از اسلام و... را بر شمرد. در تقسیم بندی دیگر می توان طنز قوی، طنز متوسط، طنز ضعیف و مست را نیز به این تقسیمها افزود. حضور طنز تنها در ادبیات مکتوب نیست؛ چه می توان این حضور را در هنرهای دیگر، به ویژه

هنرهای نمایشی دریافت. مانند: طنز سینما و طنز در تئاتر. طنز در ایران ما دارای قدمت و پیشینه طولانی است. حضور این پدیده در آثار مذهبی و غیر مذهبی و گاه آثار مکتوب ادبی فراوان است. در آثار ایرانی مابعد طنز تنها خنده نیست، بلکه گریه، تلخی، تأسف و تأثر نیز از مایه های اصلی طنز ایرانی است. می توان گفت که طنز تلخ و گزنده و تأسف انگیز و آزار دهنده نوسی دیگر است که به دیگر طنزها افزوده شده است. باز می توان این پندار را داشت که طنز همان واژه تراژیک در نظر فلاسفه و حکمای یونان است. خواننده با خواندن این نوع طنز، ضمن خنده کوتاه و بریده، اظهار تأسف خواهد کرد که صعب، اهل علم در طول زندگی علمی خود جز رنج و محنت و گرفتاری چیزی به دست نمی آورند، مگر افتخار ممنوی و جاودانه کسانی که به مسایلی جز امور علم می پردازند، مانند دلفک بازی و طناب بازی و چنین هنرهایی، در زندگی جز آسایش چیز دیگری در نمی یابند.

به راستی دردایره طنز لزومی ندارد که آدمی بخندد، بلکه می تواند بگرید، اظهار تأسف کند و از پدیده ها و سختیهای روزگارش رنج برد. مانند این شعر «محمد حاجی حسینی» به نقل از محله یاقوت سال اول شماره پنجم پنج شنبه بیستم دی ماه ۵۸ هـ.م):

سرمای نالوطی بازم، بچه ها رومی لرزونه  
بی پولارو میگریونه، پولدارا رو میخندونه  
برقارو از ناف هوا، تا به زمین میرقصونه

پنه‌های شیک و یک، هیکلا رومی جنبونه  
طاق اطاق بی بولا، سولاخ و درب و داغونه  
زمتونه، زمستونه، موس برف و بارونه  
خسونه محترکرا، انبار خوار و بار شده  
خوب دمبیا، کنار هم قطار شده  
فایده که کار ما، داده شده و هوار شده  
من و روزی تو، حسابی احتکار شده  
روغن و تایید و این چیزا، توانبارش فراوونه  
زمتونه، زمستونه، موسم برف و بارونه  
ستانای آس و پاس، فکر زغال و کرسی یز  
گترا بی ژاکتن، کوچکتر بی ارسی یز  
آب و برق و دکترن، بی، اتوبوس و تاکسی یز  
غم و رنج زندگی، خبیله مثل واکسی یز  
دردای بی حسابشون، دردای طاغوت شونه  
زمتونه، زمستونه، موسم برف و بارونه  
نمونه دیگر، این شعره می معبری است با  
نضای شاه پروین به نام «حقایقی چند از زبان  
سرسی نشینان» چاپ شده در تهران  
(شماره ۳۰، ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ ص ۳)  
به شاعر در انتقاد از نمایندگان مجلس آن زمان،  
سکایت تلخی را بیان کرده و مسائل سیاسی  
روزگارش را به تصویر می کشد و هیچ هم خنده دار  
ست.  
به مجلس درون بانک و فرساد بود  
پاهو در آن محنت آباد بود  
فرس و کبلان پرغشا جوی  
بودندی از هم به پرغشاش، گوی  
یکی ضمنه، سرکار یاران زدی  
نشان بر دل رشوه سواران زدی  
یکی قصه از کار حجاج گفت  
یکی از فتنبران محتاج گفت  
یکی سر زخجلت فراپیش داشت  
یکی شرم از کرده خویش داشت  
که مابهر منت در این یک دو سال  
چه کردیم کاری، بجز قبل و قال؟  
چه گفتیم جز یاهو در گوش خلق  
چه باری گرفتیم از دوش خلق؟  
رخسیر، بر خلق بسته ایم  
به آزار مردم، کمر بسته ایم!  
ز اینان یکی دروغ خلق کیست؟  
که یک تن نماینده خلق نیست؟  
و یا این متراد تلخ سیاسی که سید اشرف -  
الدین گیلانی معروف به نسیم شمال (چاپ شده در  
نسیم شمال شماره ۹، چاپ رشت، مورخ ۲۷ ذیحجه  
۱۳۲۵ ه. ق به نقل از صبا تانسیما

\*... در دایره طنز لزومی ندارد که  
آدمی بخندد، می تواند بگریهد...

\*.. باشکوهترین و غنی ترین  
وارزشمند ترین دوره طنز، دوره معاصر  
از زمان نهضت مشروطه ایران تا زمان  
حال می باشد.

\* در واقع طنز معاصر ایرانی در میان  
خود ایرانیها غریب و ناشناخته است.

ج ۲ ص ۷۲-۷۳) سروده و بیانگر زمانی تلخ و  
تأسف آور بوده و مایه آن هیچ خنده نبوده و نیست.  
گرچه این شعر، در دایره طنز سیاسی مطرح است:

گردیده وطن غمره اندوه و محن وای

ای وای وطن وای

خیز، روید از پی تابوت و کفن وای

ای وای وطن وای

از خون جوانان که شده کشته در این راه  
رنگین طبق ماه

خونین شده صحرا و نل و دشت و دمن وای

ای وای وطن وای

کوهست و کوه غیرت و کوه جوش فتوت؟  
کوهش ملت؟

دردا که رسد از دو طرف سبل نشن وای

ای وای وطن وای

افسوس که اسلام شده از همه جنانب  
پامال اجانب

مشروطه ایران شده تاریخ زمن وای

ای وای وطن وای

نهاننه همین گشت وطن ضایع و بدنام  
گنم بشد اسلام

پزمرده شد این باغ و گل و سر و سمن وای  
ای وای وطن وای

نمونه دیگر، این نوشته روزنامه ملا نصر الدین  
است (به نقل از صبا تانسیما ج ۲ ص ۴۴-۴۵) که از آن  
چیزی جز درد و آه حاصل نمی شود. «... ای برادران

تیریزی، که به جای نان، شن به خوردتان می دهند،  
بباید دوره بنشینید و کلاه های نمادی خودمان را  
در میان بگذارید و فکر کنیم بینیم آخر وطن ما  
کجاست؟

بباید، بباید ای برادران یخه چرکین وطن  
فراموش شده، بباید بینیم متولیان ملت، که در  
گهواره باشی بیگانگان پرورش یافته و از وطن ما دور  
و از روح مامت بی خیرند، چه خوابی برای شما  
دیده اند؟ ای برادران لخت و عورمن، آخر چرا دم  
نمی زنید؟!»

پس تا اینجا دریافتم که طنز تنها برای  
خنداندن نیست، گرچه معتقدان ادبی طنز را  
وسيله ای برای خنداندن بر شمرده اند و «کیک  
ایزکیو» (عینی) و «کیک سوزکیو» (ذهنی) را  
از تقسیمهای نخست و مهم حوزه طنز دانسته اند،  
بحثهای دیگری حوزه طنز را در بخشهای دیگر این  
مقاله خواهید یافت. در اینجا برای تنوع، به نکته های  
دیگری توجه می کنیم.

نگارنده، نوشته و پیام عزیز نسیم طنز پرداز  
معاصر ترکیه (در کتاب هفته، شماره ۲۵، ص ۶۱  
ترجمه نسیم باغچه بان) را مکرر مورد انتقاد قرار  
داده است. عزیز نسیم در این پیام گفته: «پیامی از  
دوست شما عزیز نسیم، خوانندگان عزیز فوق العاده  
خوشوقت که می تواند به عنوان یک فکاهی نویسی  
ترک باشما سخن بگوید. بر درخت کهنسال  
ادیات کشور من ترکیه، همیشه دوشاخه پربارتر و شمر  
بخشتر بوده: شمر و هزل نویسی. سبب آنکه این  
دو هنر تا بدین حد از دیگر زمینه ها پیش افتاده اند،  
این است که هر دو، از قدیم الایام باریشه های  
عمیق خود یکسره از نوده مردم، از چاهسارهای عمیق  
و پنهانی زندگی مردم آب می خورده است. ماهرن  
نویس بسیار بزرگی داریم که پانصد سال پیش از  
این می زیسته، نامش دنیا گیرگشته است.  
ناصرالدین خواجه نام دارد و توانسته است ندای  
خود را از دیوارهای بلند زمان و مکان بگذراند و به  
زبان گوناگون برای مردمی از رنگ و نژادهای  
گوناگون حق بگوید، آنان را بخنداند و به تفکر  
وادارد. پیام این نویسنده بزرگ، هنوز در زمان ما  
نیز تازه و با طراوت است، و ما هزل نویسان ترک، به  
شاگردی این استادگران مایه افتخار می کنیم.

بدین گونه، در ترکیه، هزل نویسی که حصیه  
اصلیش پرداختن به واقعات زندگی مردم است،  
هنری است بسیار کهنسال. سالخورده ای است که  
امروزه از تماس با فرهنگ جدید، جهان نیروی تازه  
یافته، جوانی و شادابی خود را بازیافته است.

گفتند. در ادبیات ما، فکاهی نویسی حامی نگهزار برده است. هنرش جنبه شخصی می ندارد، بلکه از همه مردم سخن می گوید مردم. برای مردم کشور مانیز فکاهیات به سلاحی درآمده است که با آن آزادی واز خویش دفاع می کنند. این نکته تازه ای چرا که همیشه چنین بوده است:

رناصرالدین خواجه و بکتاشی و مصاحبه های و جز اینها سراسر مبارزه حق با دروغ و تزویر، حقیقت و میکونگی بردورویی، نبرد صدق با ناپاکی و ریا، و غلبه تجدد بر کهنه پرستی. بنابراین، ادبیات فکاهی ترک، همیشه سخن حقیقتی بزرگ بوده و هست. از نسلی به دیگری میراث می رود بی آنکه تأثیر ن کننده زمان و حوادث غباری بر آن بنشاند.

در اینجا، در کشور من، خنده و اندیشه، پهلویه ن هزل نویسی گام برمی دارند. در اینجا، تمق ککر برخنده غالب است و هم از این روست که نویسان ترک، به کار خویش با چشم رسالتی مهم وجدی می نگرند. من نیز بیست سال است در این کارم، و در این زمینه طبع من آزما می. من داستانهای خویش، همیشه کوشیده ام طرخی ان که هست و به چشم نمی آید، از جامعه خود در برض نساها قرار دهم. هدف من این است، اما که تا چه اندازه در وصول بدین هدف پیروز ام، قضاوتش با من نیست. ع. د.

با این ادعای عزیز نسین باید گفت که ایرانها رای فرهنگ طنزی بسیار دیرینه بوده و از این نظر برآمد تمام ملل و اقوام جهان هستند. چه استاد سالزاده داستان نویسی و ادیب معاصر ایرانی ساکن یوز در مقدمه کلیات اشعار و فکاهیات سید غلامرضا و حانی «جنه» ص ۵۷: «ایرانی فکاهی طبع خلق

شده است.» استاد جمالزاده در ارائه همین نوشتار می افزاید: «تمام خارجیانسی که ما را از نزدیک شناخته اند، تصدیق کرده اند که صحت با ایرانیان دلپذیر و خوشمزه است و سرتاسر ممنواست از نکته ها و نطفه هایی که به دهن می نشیند و فراموش نمی شود و بهای مخصوصی دارد. می توان آویزه گوش و هوش قرارداد اما عجب آنکه در ادبیات فارسی قطعات فکاهی نادر به دست می آید.»

در آثار نظم فارسی از رودکی تاکنون، نکته های طنز و فکاهی در موضوعهای مختلف و قالبها و صنایع لفظی و معنوی وجود دارد که خود منبع عظیمی به حساب می آید. اما باید گفت که به شکوهترین و غنیترین وارزشمندترین دوره طنز، دوره معاصر یعنی از زمان نهضت مشروطه ایران تا زمان حال می باشد هر چند باید اقرار داشت که تا سال ۱۳۵۰ ه. ش یعنی زمان توقیف روزنامه توفیق زمان نهایی و اوج طنز پرداززی است. فراوانی نشریات طنز، مطالب نشر و نطفه و کاریکاتورها نموداری از غنای فرهنگ طنز معاصر است. بی گمان، اگر روزی مؤسسه ای تنها برای جمع آوری طنز معاصر تأسیس شود، از این لحاظ با نوسه منابع طنز و روبرو خواهد شد. مثلاً نخستین روزنامه فکاهی و هجانی به نام «طلوع» به سال ۱۲۸۰ ه. ش در زمان سلطنت ناصرالدین شاه در شهر بوشهر به همت میرزا عبدالحمیدخان متین السنطه (نماینده دوره دوم مجلس شورای منی پس از فرمان مشروطه) تا «خوریجین» که آخرین نشریه در حوزه طنز است، دنیایی از غنای طنز معاصر ایرانی و نشان می دهد. متأسفانه در ایران با توجه به این همه غنای فرهنگی و فرهنگ طنز هنوز آن گونه که باید، درباره آن کار و پژوهش نشده و توجه لازم به عمل نیامده است. امید است اهل علم در این باره هست کنند، چه طنز تنها برای خنده نبوده و در ادبیات و ابعاد گوناگون فرهنگی، غنسی، سیاسی، روانشناسی، اجتماعی و... شایسته بررسی، ارزیابی، تجزیه و تحلیل است که درباره آن سخن خواهیم گفت.

**نامهای مستعار در حوزه طنز معاصر**

برای شناخت آثار طنز و فکاهی باید نخست بر قلمرو کاربرد «نامهای مستعار» آگاهی و تسلط پیدا کرد. در شعر و ادب فارسی از دیرباز «تخلص» مسئله ای معمول و رایج است. البته بعدها حوزه کاربرد تخلص با نام مستعار در آمیخته و این مرز برداشته شد. از رودکی تا حال، تخلص شاعران در آثارشان خبط شده است مثلاً «امیری فیروز کوهی» و «امیری» تخلص امیر. کریمی و «شهریار» تخلص سید محمد حسین بهجت تبریزی است. اما نام مستعار پدیده دنیای امروز است که از همان آغاز جنبش مشروطه و فعالیت های سیاسی طنز پردازان ایرانی شروع شده است چون نام مستعار پوشش و سرپوشی بر هویت و شناسنامه آفرینندگان آثار بوده و افزون بر آن، از لحاظ امنیت صاحبان آثار و نگاه صاحبان نشریات حریه خوبی به شمار می آید. این پدیده، خیلی زود جا باز کرد و در آثار جدی افراد نیز راه یافت. این دست از افراد هم بسیاری از آثار جدی خود را با نام مستعار ارائه می دادند.

مسئله نام مستعار گزینی رفته رفته به عنوان یک سنت غیر قابل تغییر در سراسر ادبیات معاصر از همان مقطع یامبدأ زمانی صدور فرمان مشروطیت تا کنون، نمود یافت و حتی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. مثلاً آخرین نشریه ای که فعلاً در حوزه طنز ایرانی منتشر می شود، مجله پرفروش «خوریجین» به سردبیری استاد مرتضی فرجیان است. اگرچه این نشریه بنگریده، ملاحظه خواهید کرد که دهن مویز و مطلب اعم از شعر، نشر و کاریکاتور با امضای



\* نام مستعار پدیده دنیای امروز است که از همان آغاز جنبش مشروطه و فعالیت های سیاسی طنز پردازان ایرانی شروع شده است.

مستعار چاپ شده است. بی گمان برای شناخت اقمی این آثار و نیز نام اصلی آفرینندگان آنها باید مسمی معتبر مراجعه کرد. متأسفانه تاکنون هیچ نیمی در این باره به رشته تحریر در نیامده است؛ گر چه در حوزه طنز معاصر ایران آثار میرد مضامع و مستند و پژوهش بسیار نه کم است. در واقع دییات طنز معاصر ایرانی در میان خود ایرانیها غریب و ناشناخته است. بنابراین نخستین کاری که گارندگان «طنز سرایان ایران از مشروطه تا انقلاب کرده اند» تهیه شرح احوال و زندگینامه طنز سرایان بوده و تمیز و تشخیص درست نام مستعار و نام اصلی نویسندگان آثار طنزی است که به صورت نظم و گاه نثر بوده است. در اینجا نامهای مستعار طنز سرایان شاعر از مشروطه تا انقلاب، به ترتیب حروف الفبای نام اصلی شاعران ذکر می شود. بدون تردید، این بحث کلید و راهگشای خوبی برای شناخت نام اصلی صاحبان آثار طنز و فکاهی بوده و خیلی آسان جویندگان را به مقصد اصلی رهنمون می سازد. در اینجا چند نکته مهم برای آگاهی خوانندگان یادآوری می شود که در تشخیص درست صاحبان اصلی آثار بسیار با اهمیت است.

۱- گاهی نامهای مستعار مشابه وجود دارد. طالبان و جویندگان باید ضمن آگاهی از مشخصات مأخذ مورد استفاده، به شرح حال و زندگینامه و قلمرو فعالیتها و صاحبان آثار توجه داشته باشند. مثلاً مطلبی یا شعری در روزنامه باباشمل با امضای «شاه

پریون» دیده می شود و همان شعر و یا شعری دیگر با امضای «شاه پریون» و «حق گو» در تهران مصور نیز به دست آمده است. اگر جویننده به شرح حال شاعران بنگرد، ملاحظه خواهد کرد که این آثار مربوط به «رهی معیری» شاعر نامدار معاصر است. ۲- برخی از شاعران اصلاً نام مستعار و تخلص نداشته اند. مانند محمد علی معرفت، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، صادق بروجرذی، امان الله منطقی، حسین بهبهانی، محمد حسین تقوی گیلانی، فریدون توکلی، حسین جهادی، سید محمد علی ریاضی یزدی، عزیز الله زرگران، سهراب سپهری، ماشاء الله صفاری، کاووس فیلی، شاهرخ قائم مقامی، ناصر کریمیان، محمد عنی مهرکش و...

۳- نکته مهم دیگر که ارزش ادبی دارد، توجه لازم و عمیق به خود نامهای مستعار است. مثلاً نامهای مستعار ابوالقاسم حالت طنز پرداز نامدار معاصر چون: خروس لاری، ابوالعینک، انت الحمان هدهد میرزا، فاضل مآب، شوخ، هوار و یا نامهای مستعار دیگران چون: قدبلند، نمک به حرورم، شوت علی، موش کور، دسته بیل، بی معرفت زالو، بیو، جیرجیرک، زنبور و... ضمن آنکه از نظر صورت ظاهر خنده دار است، از لحاظ در برداشتن واژگان عامیانه برای فرهنگ نویسان معاصر حائز توجه و اهمیت است برای خواننده نیز این مسئله و ارزشیابی و نقاشی می کند که صورتهای اندیشه صاحب اثر چگونه است؟ حتی می توان از دیدگاه روان شناسی نیز بررسی کرد که این طنز سرا یا طنز نویس و یا طنز نگار دارای چه اندیشه و دیدگاهی است؟ علت گزینش این نام مستعار چیست؟ چه می خواهد بگوید و قس علی هذا.

در پایان، این نکته را نیز بیفزاییم که با همه کوشش و تلاشی که کرده ایم، نتوانسته ایم به طور کامل و مطمئن همه نامهای مستعار طنز سرایان را

در پاییم و این کتاب را در اختیار شما قرار می دهیم. ایرانی مطرح است و گاه مسایل رنج آوری را نیز پدید می آورد. مثلاً بارها مشاهده شده که برخی از زندان و صاحبان و کارگزاران مطبوعات طنز و فکاهی به علت تمسد و آگاهی بر آثار و مضامین طنز و فکاهی، به لحاظ نامشخص بودن نام و صاحبان اصلی آثار و یا مرگ آنان، این گونه نوشته ها، شعرها و کاریکاتورها را به نام خود به چاپ می رسانند. به طور مثال در سال ۱۳۶۷-۱۳۶۸ دو سه نوع شعر از استاد مرتضی فرجیان و پیشکسوتان طنز در یکی از نشریه های فکاهی به نام یکی از همان به اصطلاح طنز پردازان و کارگزاران مجله چاپ شد و متأسفانه هیچ عکس اصلی حتی شفاهی نیست به این دروغ پردازان و سرقت ادبی صورت نگرفت. امیدواریم دست اندرکاران طنز ایرانی از این گونه سرقتهای ادبی پرهیز کرده و ارزشهای ملی و دینی ما ایرانیان مسلمان را دچار آسیب نسازند که بی هیچ شبهه ای یک روز دستشان رو خواهد شد و دیگر تا ابد سرافکننده خواهند شد. به عنوان مثال شاعری از یکی از شهرستانها، اشعار گمشده حزین لاهیجی را به نام خود در یکی از نشریه ها به چاپ می رساند و چقدر هم مورد لطف قرار می گرفت تا اینکه یک روز دوست و استاد عزیزمان جناب دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی از مشهد به نسخه دیگری از اشعار حزین لاهیجی دست می یابد و این سارق ادبی را رسوا می کند. در پایان خوانندگان عزیز را به نام اصلی شاعران طنز سرا و نامهای مستعار و گاه تخلص آنان ارجاع می دهیم.

\* بارها مشاهده شده که برخی از زندان و صاحبان و کارگزاران مطبوعات طنز و فکاهی.... به لحاظ نامشخص بودن نام و صاحبان اصلی آثار... این گونه نوشته، شعر و کاریکاتور را به نام خود به چاپ می رسانند.



نام اصلی شاعران طنز سرا      نام و یا نامهای مستعار      نام اصلی شاعران طنز سرا      نام و یا نامهای مستعار

اسماعیل آنتی (متولد ۱۳۱۱ بروجرد)      آتش نشان، آق اسبال، منوچهر خان شوت علی      محمد تقی بهار (متولد آبان ۱۲۶۵ هـ - ش شهید، درگذشت اول اردیبهشت ۱۳۳۰ هـ ش، تهران)

ابوالحسن آذری (متولد ۱۲۹۷ هـ - ش - کنگاور - درگذشت دی ۱۳۶۵ هـ ش).

خاکسار ابهری      پشم الملک، پشم الملک ابهری راسکاخ، خار خاک.

استاد کمال اجتماعی جندقی (متولد اسفندماه ۱۳۰۸ هـ ش، شیراز)      کمالو، نیموز، کماج.

احمد الوند (متولد ۱۳۱۴ هـ ش، ساری)      دنولا، ۱ - شهسیرزادی، احمد، داریوش سیح، احمد، الوند.

پاشا امیر حسینی      پاشا خان، بیچه فخرآباد.

امیری فیروز کوهی (متولد ۱۲۸۸ هـ ش روستای فرح آباد فیروز کوه - درگذشت ۱۹ مهر ۱۳۶۳ تهران)      امیر سید محمد اجتهادی (متولد ۱۳۰۹ هـ ش، کازرون درگذشت ۲۶ آبان ماه ۱۳۶۲ هـ ش، مشهد)

عبید امیری نوری      نوری زردآلو، کاسکو، شنگیر، نصیب، اخفش.

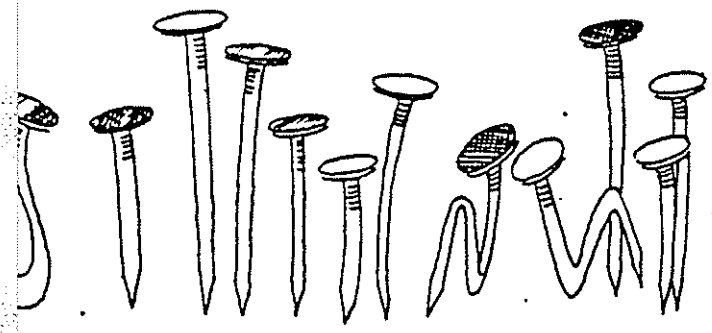
ناصر، جهانگرد، شبیه الشعراء کازرونی، میرزا هپل هپو، سیف القلم، هوجی، زالاس، هل هل فندی، جیرجیرک، ناشی باشی، آمنه باشنگی، کاکو شیرازی، ابوالبلبل، مانا جیم جیم، لوطی شیرازی، نکبت الشعراء اجتهادی، پریچهر دلاور، بدبین، هندل الشعراء اشتیامی، جیم جیمبو، زالو، مار گریب بیگم، الیزابت بیگم، میرزا قلمدون ملک مقوا، دیزی اشتیاردی، موشیو فندک، بابا کرم، ناصر جهانگرد...

منوچهر احترامی (متولد ۱۳۲۰ هـ ش - تهران)      م - پسر خاله، الف - اینکاره

مهدی اخوان ثالث (متولد ۱۳۰۷ هـ - ش، طوس خراسان)      م - امید

ادیب المصالح فراهانی (متولد ۱۴ محرم ۱۲۷۷ هـ - ق، قریه کازران از بشیرک شراه اراک - درگذشت ۱۳۳۶ هـ - ق تهران)      امیر، ادیب

پروین اعتصامی (متولد ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ تبریز درگذشت ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ هـ ش تهران)      پروین بی معرفت، ع - بام رفیع



فروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نام اصلی شاعران طنز سرا

محمد علی افراشته

(متولد ۱۳۷۱ یا ۱۳۸۷ هـ - ش روستای

باز قلمه رشت - درگذشت ۱۶

اردیبهشت ۱۳۳۸ صوفیه بنگارستان)

نام و یا نامهای مستعار

پرستو چنجه زاده، معمار باشی، راد

قنعه ای، رادباز قنعه ای.

نام اصلی شاعران طنز سرا

محمد حاجی حسینی

(متولد ۱۳۰۸ هـ - ش ۰ کرج)

نام و یا نامهای مستعار

نازک نارنجی، ریزه میزه، آزاده،

بازشکاری، بهروز خان، بسناز،

گلنار، م - ح، مش رحمت الله.

ابوالقاسم حالت

(متولد ۱۲۹۸ هـ - ش، تهران)

حالت، خروس لاری، هدهد همیزا،

ابوالمینک شوخ، انت الحمار، هوار،

فاضل، ماب.

محمد حسن حامی محولاتی

(متولد ۱۳۰۷ هـ - ش، محولات

تربت حیدریه)

قلقلگی، قلقل، ح - محولاتی.

حسین حسینی

(متولد ۱۲۹۹ هـ - ش، قم)

خروس اخته، قد بلند، مویور، سرخ

رو، موش کور.

موش کور

ابوالقاسم حیاتی

شیخ نشین نهاوندی

فیض الله حیدری نهاوندی

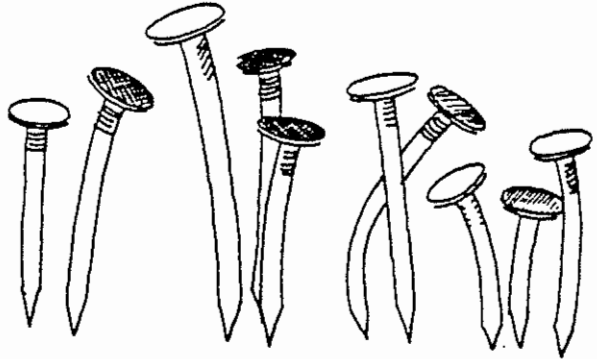
حاج مرتضی، شتر مرغ، آقا مرتضی.

مرتضی خدا بخش

(متولد ۱۳۱۶ هـ - ش، تهران)

ابردلدل خلخالی.

جهان بخش خدیوی



شاهین

مهندس منوچهر بازوکی

(متولد شهرسور ۱۳۱۲ هـ - ش،

گرمسار)

لملی، حکیم لملی.

لملی تیریزی

(متولد ۱۳۲۴ هـ - ش، تبریز -

درگذشت ۱۳۳۵ هـ - در تفریس)

مهدی تمجیبی

آواره، آقا مهدی آواره، م - ت - آواره

محمد صادق تفکری

پرچانه، تفکری پرچانه، سرورالشعراء،

زلم زیمبو، میرزا آقا.

مرتضی توکلی

پیو، م - توکلی

حسین توفین

درگذشت ۲۹ بهمن ۱۳۱۸ هـ - ش

(تهران)

منوچهر جراح زاده

(متولد ۱۳۱۲ هـ - ش - بندر انزلی)

ابوتراب جلی

(متولد ۱۳۸۷ هـ - ش - دزفول)

مزا حیم، فلاتی، خفی، فیلسوف،

رنجبر، علی ورجه، خوشه چین،

مجید کامروا، جلیل رقم، رقم، نداء،

شور - ج، بازیگوش، آراسته، میرزا

کانات، ونداد.

اکبر جمشیدی

منار جنبون

هادی خرسندی

(متولد ۱۳۲۳ هـ - ش)

هادی خان، لب کلفت.

ناصر جولایی و کیلی

(متولد ۱۳۱۶ هـ - ش، ملایر)

قاراخلو، کوتوله، چاله حوضی و

قمری

محمد خرمنشاهی

گل مولا، درویش، مرشد، عمو





نام اصلی شاعران طنز سرا

نام و یا نامهای مستعار

نام اصلی شاعران طنز سرا

نام و یا نامهای مستعار

رو شاهانی  
شیرین دهم دی ۱۳۰۸ هـ - ش  
(بیر)

شامیوه خراسون، نمد مال، شادونه،  
بیجه خراسون، خ - ش آقا معلم.

محمد صالحی آرام  
(متولد ۱۳۱۷ هـ - ش . همدان)

ملا، ملا صالح، م - ص، صالحی،  
صالح الشعراء، داد - همدانی، دادا -  
در آقا، صالح الشعراء همدانی

با شاهد کفاش

رضا کفاش، شاعر، مفلوک الشعراء.

عسرا صلاهی  
(متولد ۱۳۲۵ هـ - ش . تهران)

بیجه جوادی، زرشک، ابوطیاره، ابو  
قراضه، زنبور، مداد، ع - مداد، صبح  
طوبله، یکی از بزرگان اهل تمیز.

ر شاهی

هما.

ام شعانی

خیلم.

ابراهیم صبا  
(متولد ۱۲۹۰ هـ - ش . محلات تربت  
حیدریه)

متولد ۱۳۱۵ هـ - ش . روستای صمغ  
داد قزوین)

صبا، شیخ سرنا، ابرام سرنا، شیخ  
الشعراء.

یح الله شکیانی

ف - بیجونی

سید علی طاهری سدهی  
(متولد ۱۲۸۰ هـ - ش . قریه ورنو  
سفادران اصفهان)

شیوا

سید محمد حسین بهجت تبریزی

شهریار، قراضه

محمد علی طاهریان  
(متولد ۱۳۰۸ هـ - ش . سنجان -  
در گذشت ۱۳۶۵ هـ - ش . سنجان)

قرتی الشعراء.

متولد ۱۲۸۳ یا ۱۲۸۵ هـ - ش ، تبریز  
در گذشت ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ هـ -  
ش . تهران)

سیدالله شهریار (متولد ۱۲۹۹ هـ -  
ش . کرمانشاه)

حسن علی جمفر، ش - ترسو،  
شیکور، شایان، یاور، سر خلوتیان،  
قلنس الشعراء، ش - سر خلوتیان

عبدالله ظهوری

عارف قزوینی

یارو، ع - ظ یارو.

عارف.

بروین شهیدی

شل گوش، پرویز

حسین عاطف  
(متولد ۱۹ دی ۱۲۹۰ هـ - ش . تهران)

فین فینی، باباچماقو.

کیومرث صابری فومنی  
(متولد هفتم شهریور ۱۳۲۰ هـ - ش .  
صرمه سرای گیلان)

گردن شکسته، گردن شکسته فومنی،  
میرزا گل، عبدالقائوس، ابوالپیاده،  
لوده، ریش سفید، گل آقا، مش  
رجب، غنفر، شاقلام، مصادق،  
مصادق خان و...

کیومرث عباسی

بیجه قصری، ک. بیجه قصری

ج - عطارد.

جواد عطاری

(متولد ۱۳۰۴ هـ - ش . شیراز)

حماد

عمادالدین برفعی

طلایی، طلایی اصفهانی.

احمد رضا ففوززاده  
(متولد ۱۳۰۸ هـ - ش . قریه ورنو  
سفادران سده اصفهان)

فرات، ابن جنی.

عباس فرات

(متولد ۱۲۷۳ یا ۱۲۶۹ هـ - ش . یزد -  
در گذشت آبان ۱۳۴۷ هـ - ش .

تهران)

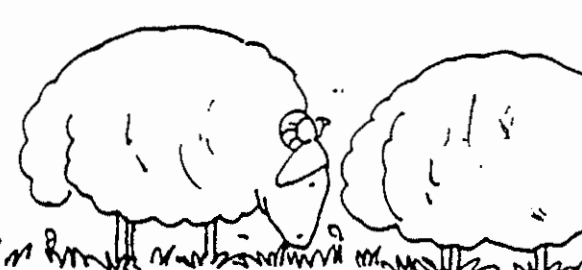
مرتضی فرجیان

(متولد ۱۳۱۳ هـ - ش تهران)

شاگرد تنبل، فینگیلی، کل تولی،  
هدی کوچولوی سید میرزا، خان  
داداش، هاله، ابوشبلیه، سیده، دائی  
مرتضی، شونول.

فرخی

محمد ابراهیم فرخی یزدی





اصلی شاعران طنزسرا

نام و یا نامهای مستعار

نام اصلی شاعران طنزسرا

نام و یا نامهای مستعار

متولد ۱۳۰۶ هـ. ق. - سرد -  
 بدشت ۲۵ مهر ۱۳۱۸ هـ. ش.  
 (ن)

محمود گبوی

بزرگ تندی، نی نی کوجوئو، آق  
 محمود، خانه رورو.

رخسرو فرشید ورد  
 ولد ۱۳۰۸ هـ. ش. - ملایر)

شاعرالکسی، شیخ الشمره،  
 دریدرالشمراء

محمد جواد محبت

م. آدمیزاد، آدمیزاد، میز م جواد،  
 آمیز م جواد، ج - محبت.

م فکور

شیطونک، شیطان، فته، بنده زاده،  
 گرم فکلی، سخن چین، ارادتمند  
 خوشحال.

منوچهر محبوبی

محبوب الشمره، بزمجه، همه سر  
 حریف، گمرو.

حسین مدنی

لک لک میرزا، ح - غریبه، مطلق،  
 ح. مطلق، روده درازبهره، خوشحال

(متولد ۱۳۰۵ هـ. ش. ۰)

عیسی مسیحی

عیسی میرزا، سایه وار، اعتدالی، بچه  
 فشکالی، نی لیک، سوت سوتک

رحمت الله مطهری

بیکار اصفهانی، فقیر اصفهانی، آذر  
 اصفهانی.

(متولد آذرماه ۱۳۱۰ هـ. ش. - شهر  
 رضا)

مرتضی متضدی

م - شیدر، فضول آغاسی، زرافه، م -  
 روز در، ملاسه شبه، م شیخ بچه، م  
 - حالی به حالی، م - شاعر بعد از این،  
 م - دراز علی بک، م - شیخ ونسی  
 خان، م - زهر مار، م - بز و پرو، م -  
 جانماز، آبکش، ضد ساواک، م -  
 ملاجفندرز، م - بی تربیت، مرتضی  
 خان، م - چماق علی بک، ملا  
 شیدرالدین دارفوز آبادی.

ابوالحسن - م.

ابوالحسن ملک

م - سیلو، لیخند، کوتوله واولا، بچه  
 گربه، پیش پیشی، م - کوجولو.

مد تقی کهنمونی  
 ر گذشته به سال ۱۳۶۳ هـ. ش.  
 (ان)

تر مسعود کیباگر

زرد آلونک، آلو زرد، دو قلو، ک -  
 انگونکچی.

کشتی نفت کش.

ب. ب. گرگین

گلچین، لجناب، شاهر، نوجه، بچه  
 مکتبی، سارق دیوان، یغملی، گل  
 آقا، سجاف دختر، اشعر الصمالک،  
 سیرخ.

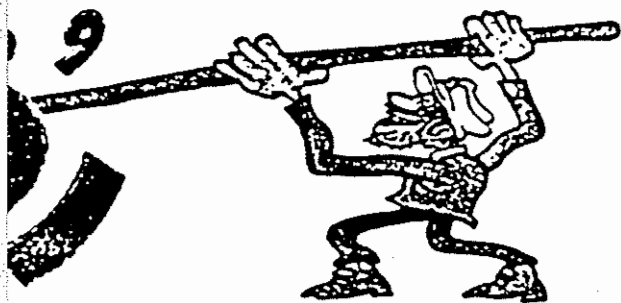
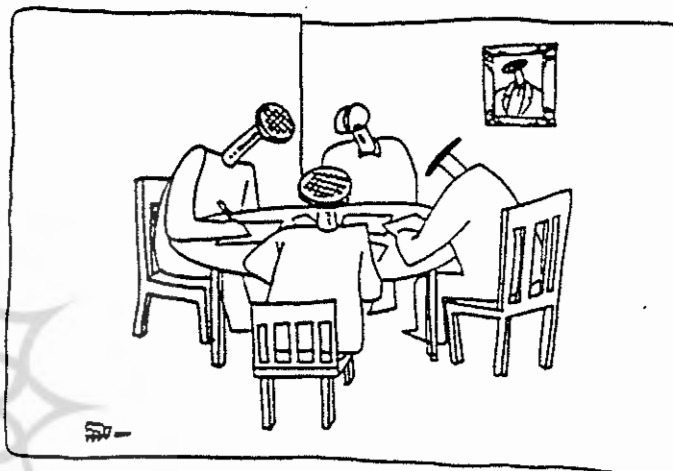
مد گلچین معانی  
 تولد ۱۲۹۵ هـ. ش. - تهران)

مورچه رشتی، بنده خدا، کاسگون  
 (گیله مرد)، رومیت کاسا، ت -  
 کامبیز، مقروض الشمره، میلانا  
 رشتی، تلخوم، بی مخ میرزا

سور گورگین  
 متولد ۱۳۱۳ هـ. ش. - جولاب میان  
 و جصفهان - آستانه اشرفیه)

گویای اسرار، بلبل گویا، لال، شیر  
 گویا.

پندس محمد علی گویا



نام اصلی شاعران طنزسرا

ستاد منک حجازی

(متولد ۱۲۷۰ هـ - ش. یزد)

حاج محمد باقر مهدی قلی خان

(متولد ۱۳۱۲ هـ - ش. تهران)

علی میثاقی (غلامعلی لقانی)

(متولد ۱۲۹۲ هـ - ش. درگذشت اول

بهمن ۱۳۶۱ هـ - ش.)

محمد صادق میرفندرسکی

برویز نامدار

موشنگ نامدار

محمد علی نجاتی

(متولد ۱۲۸۶ هـ - ش. تهران)

سید اشرفالدین حبیبی

(متولد ۱۲۸۷ هـ - ش. قزوین -

درگذشت ۱۳۰۵ هـ - ش. تهران)

نام و یا نامهای مستعار

قزقم

بچه وراسین، مخلص، شب پره.

مش مسلم، مش صدلی، توله خرس،

بسی رگ، دوسر طلا منسلوک،

قوجملی، ننه همد، اجاره نشین،

قدعلی، مافنگی، گریه مرتضی علی،

سرخر، حمال باشی، قدعلی، زرشک

علی، گداعلی، لقا، م - امتیاز،

نقلملی، سنگسری، سنگپائی، علامه

درگزینی، شوفره، گل مولا، ممتاز،

غلامعلی لقانی.

مصداق خان.

اردک میرزا، پهلوان پنه، خیر باف.

ن. ن. مریا، میرزا هوشی.

ن - جنی.

علی اسفندیاری

(متولد ۱۲۷۶ هـ - ش. پوش مازندران

- درگذشت ۱۶ دی ۱۳۳۸ هـ - ش.

تهران)

نورالله ونوفی

(متولد ۱۳۱۹ هـ - ش. شهر رضا)

ناصر وحید یوسفی

یحیی وکیل زند

(متولد ۱۳۱۹ هـ - ش. گرگان)

جلالالدین همایی

(متولد ۱۲۷۸ هـ - ش. اصفهان

- درگذشت ۲۸ تیر ۱۳۵۹ هـ - ش.

تهران)

شهر یاربخت

نام اصلی شاعران طنزسرا

حسین نعمی ذاکر

(درگذشت بهار ۱۳۴۴ هـ - ش)

اسماعیل نواب صفا

(متولد ۱۳۰۳ هـ - ش. کرمانشاه)

نصرتالله نوحیان

(متولد ۱۳۰۱ هـ - ش. سمنان)

نام و یا نامهای مستعار

مجرد، وریریده، تاج الشمره،

رامشگر، نون - سیلوزاده، کاکا شهر

فرنگی، بلور تبوه‌ای، فضل آقا.

صفا، بچه گرمونشاه، ا. بچه

گرمونشاه، ا. ن مرشد صفا، ا. نواب

صفا، نواب صفا.

نوح، سپند، نوح بن اسپند، میخ، بچه

سستون.



نیما، نیماپوشیح.

نیم وحبیبی

ابوالحید ابولیحیر، گامبری تهراتی

تپلی.

وکیل باشی شنگول الشعرله گرگانی،

مانی گرگانی، م - گرگانی، ی.

وکیل باشی.

سنا، همایی.

عمر نوذر، نوذر اصفهانی، بابا نوذر

اصفهانی، خرگردن ■

